

# پیامبر اسلام الکوی مدیریت موفق

حجة الاسلام و المسلمین محمدرضا مصطفی پور

## ■ مقدمه

مدیریت از اصول مهم زندگی فردی و اجتماعی آدمیان است، به گونه‌ای که اگر مدیریت صحیح بر زندگی انسان حاکم نباشد سرمایه‌هایی که وجود دارد تباه خواهد شد و استعدادها شکوفا نخواهد گردید و با از بین رفتن سرمایه‌ها و شکوفا نشدن استعدادها فرد و جامعه دچار انحطاط می‌شود در حالی که اگر مدیریت صحیح و کارآمد بر جامعه حاکم باشد استعدادها شکوفا و سرمایه‌های مادی و معنوی و انسانی در جهت رشد و تکامل و توسعه همه جانبه به جریان خواهد افتاد و در نتیجه به ابداع و نوآوری دست خواهد یافت.

کسی می‌تواند مدیری کارآمد و خلاق و شکوفا کننده استعدادها باشد که دارای سه ویژگی تعهد و تخصص و تجربه باشد و اگر مدیری فاقد هر یک از این ویژگی‌ها باشد

مدیر موفق نخواهد بود.

در تعالیم اسلامی نیز به شرایط مدیر توجه خاص مبذول داشته و هم الگوهای را معرفی کرده تا کسانی که می‌خواهند مدیریت جامعه را برعهده بگیرند ضمن برخورداری از آن شرایط از الگوهای الهی پیروی نمایند. الگوهایی که اسلام به ما معرفی می‌کند تربیت شده الهی هستند تا به بهترین شکل ممکن به هدایت جامعه بپردازند.

ما در این مقاله به معرفی پیامبر اسلام به عنوان الگوی مدیریت موفق می‌پردازیم. انسانی که با ظهور در جامعه‌ای که شاخصه آن جاهلیت و نادانی بوده است، توانست تحول و دگرگونی ایجاد کند که تمام امکانات خود را در جهت پایه‌گذاری تمدن و پیشرفت جامعه به کارگیرد و به گفته امیر المؤمنین علی بن ابیطالب (ع) مردم که در آن زمان بدترین دین و آیین را داشته و در بدترین

سرزمین‌ها زندگی می‌کردند در میان سنگ‌های خشن و مارهایی که فاقد شنوایی بودند، آبهای آلوده را می‌نوشیدند و غذاهای ناگوار می‌خوردند و خون یکدیگر را می‌ریختند و پیوند خویشاوندی را قطع می‌نمودند و بت‌ها در میان آن‌ها برپا بوده و گناهان سراسر وجود آن‌ها را فرا گرفته بود.<sup>(۱)</sup> اما با بعثت پیامبر در بین آنان، آن‌ها را «فهداهم به من الضلالة و انقذهم بمكانه من الجهالة»<sup>(۲)</sup> هدایت کرده و از گمراهی نجاتشان داده و با موقعیت خود آنان را از جهالت نجات بخشید. این مطلب را در پنج بخش پی‌گیری می‌کنیم.

## ■ ۱- امتیاز یک مکتب فکری

هر مکتب فکری و دینی برای نفوذ در میان پیروان و هواداران خود و برخورداری از اعتباری محکم و خدشه‌ناپذیر باید دارای دو

امتیاز باشد.

اول: برخورداری از تعالیم صحیح و غیر قابل تردید و عقاید متقن و عقلانی و اصولی که هیچ نقصی بر آن‌ها وارد نشود به گونه‌ای که در برابر مکاتب و اندیشه‌های دیگر، قدرت هم‌وردی و در نتیجه برتری داشته باشد، و به عبارت دیگر این مکتب فکری و دینی باید اولادارای عقاید و اصول جهان بینی باشد که بتوان از آن با منطق و عقل حمایت و دفاع کرد و ثاباً مجموعه برنامه‌ها و دستورات آن با فطرت هماهنگ و با استعدادها و نیازهای افراد جامعه موافق باشد.

دوم: دارای نمونه‌های عینی باشد که تبلور و تجسم خارجی آن اصول و ارزش‌ها بوده باشد به گونه‌ای که هر فرد بتواند مکتب را در چهره و رفتار و شخصیت هر یک در آن‌ها بیابد، انسان‌هایی که هر بعد از شخصیت آنان و هر ویژگی از ویژگی‌های آنان در پرتو آموزه‌های آن مکتب پرورش یافته باشد.

در واقع این گروه اسوه‌های یک مکتب اند که با حضور و زندگی خویش محکمترین دلیل حقانیت و صحت تعالیم آن مکتب به شمار می‌روند، انسان‌هایی که این گونه افراد را ملاحظه می‌کنند که در حیات خویش در پرتو معارف دین به رشد و کمال شایسته‌ای دست یافته‌اند، به درستی و سودمندی اعتقادات و تعالیم آن پی می‌برند و نسبت به پذیرفتن آن مکتب تمایل و رغبت پیدا می‌کنند.

■ ۲- شخصیت انبیاء نمونه‌ها و الگوهای مفیدی برای سانکان راه حقیقتند و دلیل اثبات حقانیت و درستی تعالیم اعتقادی و رفتاری و پیام‌های آسمانی که ره آورد نبوت است می‌باشند خدای برای اتمام حجت در زمینه هدایت انسان‌ها، رسولانی را برانگیخته است که علاوه بر ابلاغ پیام‌های الهی، خود نیز حجت و الگو و گواه مردمان باشند و بر تعالیم مکتب خود در عمل صحه بگذارند.

قرآن می‌فرماید: «رسلا مبشّرين و منذرين لئلا يكون للناس على الله حجة بعد الرسل»<sup>(۳)</sup> فرستادگانی که برای ابلاغ رسالت و اتمام حجت بر مردم فرو فرستاده

شده‌اند و مردم با رسالت آن‌ها دیگر در برابر خدا حجتی نخواهند داشت، زیرا آن رسولان نمونه‌های کامل و به مقصد رسیده آن مکتب می‌باشند.

خداوند در میان انسان‌ها پیامبران را به عنوان اسوه و تجسم عینی دین انتخاب می‌کند که از مهمترین ویژگی آنان بشر بودن آنان است که سنخیت و هماهنگی با دیگر انسان‌ها داشته و از تمایلات و ویژگی‌های انسانی برخوردار باشند تا بین پیامبر و پیروان او پیوستگی عمیقی برقرار شود. از این رو پیامبران می‌گفتند ما بشری مانند شما هستیم «قالت رسلهم ان نحن الالبشر مثلکم»<sup>(۴)</sup> رسولان به آن‌ها گفتند ما جز بشری مانند شما نیستیم. پیامبر اسلام نیز به فرمان خدا خطاب به مردم فرمود: «قل انما انا بشر مثلكم یوحى الی»<sup>(۵)</sup> ای پیامبر بگو همانا من انسانی همچون شما هستم که وحی برای من نازل می‌شود و از این جهت است که خدای متعال فرمود «لكم فی رسول الله اسوة حسنة»<sup>(۶)</sup> برای شما در فرستاده شدن رسول خدا اسوه و الگوی خوبی است.

از آن جایی که اسلام دینی جامع بوده و به تمام ابعاد زندگی - معنوی، مادی - فردی اجتماعی، جسمی، روحی، دنیوی، اخروی، عقلی، عاطفی و احساسی - انسان توجه کامل نموده است، الگوهایی که معرفی می‌کند باید از جامعیت برخوردار باشد و در رفتار، بینش، منش، عقیده، برخورد، تمام حرکات و سکنات، از جنبه فردی و اجتماعی و دیگر جنبه‌ها دارای امتیاز و کمال باشد تا بتواند انسان‌های طالب کمال را جذب و هدایت کند.

### ■ ۳- ضرورت اسوه و الگو

اسوه و الگو برای مقاصد و اهدافی در زندگی انسان ضروری است و دلایل آن عبارتند از:

اول: هدایت و راهیابی به حقیقت از طریق اسوه‌ها نخستین مرحله در رشد و تکامل انسان، شناخت مسیر تکامل و راه‌هایی به آن است که به قله تربیت و اوج کمال منتهی گردد. وجود الگوهای برتر و کاملتر در اختیار تربیت یافتگان مکتب‌های دینی یکی از

اساسی‌ترین عواملی است که در امر هدایت و تربیت بشر نقش اول را به عهده دارد. زیرا این الگوها موجوداتی هستند که مسیر کمال را تا حدودی که شایستگی الگو بودن را دارد، پیموده و مراحلی از کمال را پشت سر نهاده و برآزنده صفاتی نیکو شده‌اند و سالک لاجرم به لحاظ انگیزه‌های درونی و برونی باید پای در مسیر او گذارد و همچون او به سوی کمال رهسپار گردد.

هدایت گری انبیاء و راهبری آن‌ها عمدتاً از جنبه الگویی و به لحاظ اسوه بودن آن‌ها تحقق یافته است به دین معنا که پیامبران به عنایت الهی و سیر و سلوکی عاشقانه، از خویشتن، انسانی خداگونه و متخلق به صفات نیکو و فضایل اخلاقی ساخته‌اند. آن گاه است که انسان‌های دیگر از تمام ابعاد زندگی و رفتارشان سرمشق می‌گیرند و به دنبال آن‌ها حرکت می‌کنند.

دوم: میزان و ترازوی سنجش رفتار

برای پرورش صحیح، وجود معیارهای رشد و تربیت ضروری است این معیارها که به منزله میزان و وسیله سنجش رفتار نیز هستند، گاه عینی و گاه ذهنی هستند، الگوها در مقام آموزش اصول عقیدتی و اخلاقی الگوهای ذهنی را ارائه می‌دهند و با عمل خود الگوی عینی را در معرض نمایش قرار می‌دهند.

الگوهای انسانی میزان سنجش صفات پاک و پلید انسان هستند که انسان‌ها با عرضه خود به آن‌ها عملکرد مثبت و منفی و اخلاق خوب و فضایل و ردائیل را اندازه‌گیری و ارزیابی می‌کنند.

سوم: عامل تحرک انسان‌ها

وجود و حضور اسوه در جامعه مایه امیدی بر انسان‌های دیگر و ضعیفان در راه مانده است. هنگامی که انسان غافل از همه توانایی‌ها و استعدادها و انرژی‌های مواج درون خویش به گوشه‌ای خزیده و از هر گونه تحرک و تلاش بازمانده است، نمایش الگوها یکی از عالی‌ترین عوامل برای ایجاد حرکت و جنبش است.

برخی گفته‌اند: وجود رهبر است که به پیرو اعتماد به نفس، اعتلاجویی، نیرو، فرجام اندیشی و اشتیاق می‌دهد.<sup>(۷)</sup> قرآن کریم و منابع اسلامی نیز به

تحرک و جنبش آفرینی اسوه‌ها توجه کرده‌اند و از راه‌های گوناگون مردم را به پیروی اسوه‌ها فراخوانده‌اند و وجود اسوه‌ها را در جامعه باعث تمایل مردم به امور خیر و اقتدار آنان می‌دانند «ولکم فی رسول الله اسوة حسنة لمن کان یرجو الله و الیوم الآخر و ذکر الله کثیراً»<sup>(۸)</sup>

مسلماً برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی است برای آن‌ها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند.

#### چهارم: عامل پیشگیری از انحرافات

نمایش الگوها و اسوه‌های انسانی صالح در پیشگیری از جرائم انحرافات بسیار مؤثر و از مرجعیت مفید و سودمند می‌باشد زیرا انسان در یک اجتماع و فرهنگ و تاریخ خود، شاهد زیونی و ذلت و زشتی عناصر پلید و عزت و محبوبیت عناصر پاک است، لا جرم عشق پاکان را به دل می‌گیرد و آن‌ها را به عنوان الگوی رفتار می‌پذیرد و در نتیجه موفق به اندیشه‌های پاک و رفتار صالح می‌شود و از پلیدی و پلیدان متنفر شده و انزجار پیدا می‌کند و به عبارت دیگر: نمایش الگوهای صالح و مدل‌های انسان کامل با افزایش جهت‌ها و راستی‌ها و امانت‌ها و پاکی‌های اخلاقی و منش انسانی، زمینه مبارزه با انحرافات و ناپاکی‌ها را فراهم می‌کند.

#### ۴- ویژگی‌های روحی و عملی الگوها

الگوهایی که در جامعه نفوذ می‌کنند از شرایط و ویژگی‌هایی برخوردارند که با آن می‌توانند آثار فراوانی داشته و به آن نفوذ دست یابند آن شرایط و ویژگی‌ها را می‌توان بدو گروه تقسیم کرد.

#### یکم: شرایط درونی

ویژگی‌هایی که به اندیشه و دل و درون اسوه مربوط می‌شد شرایط علمی و روحی است و آن‌ها عبارتند از:

#### اول: آگاهی و بصیرت

از مهمترین ویژگی‌ها و شرایط درونی اسوه‌ها داشتن آگاهی و بصیرت لازم است. از این رو خدا به پیامبر اسلام فرمود: «قل هذه سیلی ادعوا الی الله علی بصیرة انا و من اتبعنی»<sup>(۹)</sup> ای پیامبر بگو این راه من و

پیروان من است که براساس بصیرت و آگاهی به سوی خدا فرا می‌خوانم و پیروان من نیز چنین اند.»

#### دوم: ایمان

یکی از مهمترین شرایط درونی اسوه‌ها داشتن ایمان قوی به خدا و قیامت و پای بندی به اهداف الهی است زیرا اسوه‌ها ارشاد کننده آدمیان به نیکی‌ها و فضائل و راهنمایی آن به سمت هدایت است و تمام هدف او این است که مردم خدایشان را بشناسند تا به سعادت و رستگاری دنیا و آخرت دست یابند پس بر او لازم است که با یقین رابطه‌اش را با خدا محکم نماید و ایمانش همراه با دلسپردگی کامل و ارتباط مطلق با خدا باشد و تنها بر او توکل نماید قرآن فرمود: «أمن الرسول بما أنزل الیه من ربّه»<sup>(۱۰)</sup> پیامبر به آن چه از سوی پروردگارش به او نازل شده ایمان دارد.»

#### سوم: اخلاص

اسوه و الگوی دین در صورتی در کارها موفق می‌شود که در عقیده و عمل از اخلاص بهره‌مند باشد و عملش را تنها به منظور جلب رضای حق و ادای وظیفه و عاری از هر نوع تصنع و ریاکاری انجام دهد، زیرا اخلاص روح دین و اساس عبادت و پایه دعوت هر داعی الی الله است.

#### چهارم: حمیت و دلسوزی

یکی از شرایط مهم اسوه حمیت و دلسوزی نسبت به مردم است و کسانی که به هدایت انسان‌ها عشق بورزند. قرآن با بیانی شیوا دلسوزی و حمیت پیامبر را به مؤمنان اعلام می‌کند و می‌فرماید «لقد جائکم رسول من انفسکم عزیز علیہ ما عنتم حریرص علیکم بالمؤمنین رؤف رحیم»<sup>(۱۱)</sup>

براستی پیامبری از میان شما برای هدایت آمد که از شدت محبت پریشانی و فقر و جهل شما برای او سخت و گران است و بر آسایش و نجات و هدایت شما حریرص و نسبت به مؤمنان بسیار مهربان و بخشنده می‌باشد. از این جهت خدا پیامبرش را رحمت برای جهانیان دانست و او را رحمة للعالمین معرفی کرده است.

#### پنجم: خوش بینی

یکی از صفاتی که اسوه‌های الهی از آن

برخوردارند خوش بینی و حسن ظن نسبت به تمام افراد است به گونه‌ای که از هدایت هیچکس قطع امید نمی‌کنند هر چند در طغیان و عصیان در ردیف فرعون‌ها و قارون‌ها باشند اساس این خوش بینی آن است که آن‌ها می‌دانند خداوند انسان را با فطرت الهی آفریده است و اگر چه گرفتار طغیان و عصیان باشد باز امکان راه یافتن آن‌ها به حقیقت وجود دارد از این رو خدای متعال به موسای کلیم فرمود: «أذهب الی فرعون أنه طغی فقل هل لک الی ان تزکی و اهدیک الی ربک فتخشی»<sup>(۱۲)</sup> ای موسی به سوی فرعون بشتاب که او طغیان کرده است، پس بگو آیا می‌خواهی پاک شوی و به سوی پروردگارت هدایت کنم تا خشیت پیدا کنی.

#### دوم: شرایط اخلاقی و عملی

علاوه بر شرایط علمی و روحی، اسوه‌ها باید از ویژگی‌های اخلاقی و عملی نیز برخوردار باشند. که مهمترین آن شرایط عبارتند از:

- ۱) مطابقت گفتار و عمل و هماهنگی رفتار و برخوردها با پیام‌ها و تعالیمش.
- ۲) عمومیت صدق در گفتار و کردار به گونه‌ای که همه گفتارها و کردارهایش همدیگر را تصدیق کنند.
- ۳) شرح صدر و تحمل همه ناملایمات با روحی بلند و استقبال از سختی‌ها با افق فکری وسیع و حوصله‌ای سرشار.
- ۴) صبر و استقامت و پایداری و شکیبایی در برابر موانع و همچنین حلم و بردباری.
- ۵) متانت و نرمی: اسوه باید وقار لازم را داشته و در برابر مخاطبان آرام و آسانگیر و نرم خو باشد از این رو پیامبر اکرم نیز از این ویژگی برخوردار بودند.
- ۶) عفو و گذشت نسبت به کسانی که به رنجاندن پیامبر و اسوه‌ها اقدام می‌کنند.
- ۷) شجاعت در برخوردها و در اظهار اندیشه و ایمان و عمل و از هیچکس جز خدا نترسیدن.
- ۸) تواضع و فروتنی و پرهیز از تکبر و خود برتری‌بینی.
- ۹) نخواستن پاداش: زیرا رسالت

وظیفه‌ای است که پیامبر باید آن را انجام دهد نه شغلی برای درآمد تا در پرتو این بخواهد درآمد مادی را به سوی خود جذب کند.

۵ - پیامبر اسلام اسوه جامع و همه جانبه در زندگی انسان: پیامبر اسلام به عنوان اسوه حسنه معرفی شده است که بر انسان‌ها لازم است به طور مطلق و در تمام ابعاد زندگی از او پیروی نمایند.

پیامبر هم در بُعد فردی اسوه و الگو است هم در بُعد اجتماعی، هم در بعد عقلی و هم در بعد عاطفی و احساسی، هم در بعد معنوی، هم در بعد مادی از جمله ابعادی که شایسته توجه است بعد مدیریتی آن حضرت است که آن حضرت در طول ۲۳ سال رسالت و نبوت خود، بالاترین موفقیت را در بعد مدیریتی احراز کرده است که به برخی اصولی که آن حضرت برخوردار بوده و همان عامل موفقیت آن حضرت بوده است اشاره می‌شود.

#### ۱- اصل رحمت و محبت

یکی از عوامل موفقیت مدیر اصل دلسوزی و محبت به کسانی است که در قلمرو مدیریت او زندگی می‌کنند.

۲- شرح صدر به عنوان مهمترین ابزار مدیریت است چنان که حضرت امیر فرمود: *آلة الرياسة سعة الصدر* (۱۳) ابزار ریاست داشتن شرح صدر و سعه صدر است و خدا به پیامبر نیز شرح صدر عطا فرموده *«الم نشرح لك صدرك»* (۱۴)

۳- رعایت اهلیت در واگذاری مسئولیت‌ها. پیامبر اکرم (ص) مدیریت و کارها را به افرادی که شایستگی لازم را داشته‌اند واگذار می‌کرد بدون این که بین سیاه و سفید و پیرو جوان و قریش و غیر قریش فرقی در این رابطه قائل شود.

#### ۴- پای بندی به عهد و پیمان

پیامبر به عهد و پیمان خود پای بند بوده خلف و وعده در حوزه مدیریت آن حضرت راه پیدا نمی‌کرد.

#### ۵- مدارا با مردم

یکی از اصول مدیریت پیامبر مدارا در معاشرت‌های سازنده اجتماعی بود. خود آن حضرت فرمود: *«ان الله تعالى امرني*

*بمداراة الناس كما امرني باقامة الفرائض»* (۱۵) خدای سبحان همان طور که مرا به برپایی واجبات امر نموده به مدارا با مردم فرمان داده است» از این جهت در وصف آن حضرت سیره نویسان نوشته‌اند *«كان رسول الله (ص) دائم البشر، سهل الخلق، لين الجانب، ليس بفظ و لا غليظا»* (۱۶) پیامبر (ص) دائماً خوشرو و خوشخوی و نرم بود، خشن و درشتخوی نبوده است.

#### ۶- اصل حفظ کرامت انسان‌ها

پیامبر اسلام چون خود کریم بود بیشترین تکریم را در رفتارش نسبت به خلق خدا داشت. از این رو فرمودند: پیامبر در مجلسش بهره هر کس را عطا می‌کرد هیچکس بی بهره از مجلس رسول خدا نمی‌ماند و چنان با کرامت یا مردم برخورد می‌کرد که هیچکس گمان نمی‌کرد از او گرمی‌تر هم کسی باشد، مجلس او مجلس گذشت، حیا، راستی و امانت بود. (۱۷)

#### ۷- مشاوره با مردم

یکی از اموری که پیامبر اکرم مأمور به اجرای آن بوده مشورت بوده است که خدای سبحان به او فرمود *«وشاورهم في الامر»* (۱۸) در کارها با مردم مشورت کن، عمل به شورا از اصول مسلم سیره پیامبر اکرم (ص) بوده است *«ان رسول الله كان يستشير اصحابه ثم يعزم على ما يريد»* (۱۹) رسول خدا با اصحاب خود مشورت می‌کرد، سپس بر آن چه می‌خواست تصمیم می‌گرفت.

#### ۸- مساوات و برابری

رفتار پیامبر اسلام سراسر نشان از رعایت مساوات است حتی در نگاه کردن به اصحاب آن را پاس می‌داشت *«كان رسول الله (ص) يقسم لحظاته بين اصحابه فينظر الي ذار ينظر الي ذا بالسوية»* (۲۰) مجلس وی آنچنان بود که هیچ تفاوتی میان او و اصحابش دیده نمی‌شد و نگاهش را بین اصحابش تقسیم می‌کرد و به همه یکسان نگاه می‌کرد.

#### ۹- انضباط و جدیت

یکی از ویژگی‌های پیامبر انضباط و نظم و جدیت در کارها بوده است به گونه‌ای که در زندگی فردی و اجتماعی بویژه در رابطه با

مسائل اجتماعی هر کاری در زمان خود و در جای خود انجام می‌گرفت.

#### ۱۰- اقامه حق و عدالت

عدالت اجتماعی و اقامه آن در زندگی پیامبر اکرم (ص) از جایگاه بلندی برخوردار است. چرا که مثل همه انبیاء مأمور به اقامه قسط و عدالت بوده است و عدالت نگه‌دارنده ملت است *«العدل قوام الرعيه»* (۲۱) و پیامبر اکرم فرموده است *«عدل ساعة خير من عبادة سبعين قيام ليلها و صيام نهارها»* (۲۲) ساعتی عدالت از هفتاد سال عبادتی که شبهایش به نماز و روزهایش به روزه بگذرد برتر و بهتر است» و خود حضرت مأمور به برپایی عدل شده است *«فلذلك فادع و استقم كما امرت و لا تتبع اهوائهم و قل امنت بما انزل الله من كتاب و امرت لا عدل بينكم»* (۲۳) پس باید به آن شیوه از پرستش دعوت کنی و روی راست چنان داری که فرمان یافتی و از خواهش‌های آنان پیروی مکن و بگو به آن کتاب‌ها که خدا فرو فرستاد ایمان آوردم و دستور یافتم که در میان شما عدالت کنم.

تا این جا برخی از ویژگی‌های مدیریت پیامبر (ص) بر شمرده شده است البته ویژگی‌های فراوانی است که توضیح و تبیین آن‌ها نیازمند به تدوین کتاب مستقلی است.



پی‌نوشت‌ها:

۱. نهج البلاغه، خطبه ۲۶.
۲. همان، خطبه ۱.
۳. سوره نساء، آیه ۱۶۵.
۴. سوره ابراهیم، آیه ۱۱.
۵. سوره کهف، آیه ۱۱۰.
۶. سوره احزاب، آیه ۲۰.
۷. دیباچه‌ای بر رهبریت‌ناظرالدین صاحب الزمان، ص ۴۴.
۸. سوره احزاب، آیه ۲۰.
۹. سوره یوسف، آیه ۱۰۱.
۱۰. سوره بقره، آیه ۲۸۵.
۱۱. سوره توبه، آیه ۱۲۸.
۱۲. سوره نازعات، آیه ۱۹، ۱۷.
۱۳. بخارا لاتوپر، ج ۷۵، ص ۳۵۷.
۱۴. سوره انشراح، آیه ۱.
۱۵. کافی، ج ۲، ص ۱۱۷.
۱۶. طبقات ابن سعد، ج ۱، ص ۴۳۴.
۱۷. همان.
۱۸. سوره آل عمران، آیه ۱۵۹.
۱۹. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۳۲۸.
۲۰. کافی، ج ۸، ص ۳۶۸.
۲۱. غرر الحکم، ج ۱، ص ۲۵.
۲۲. جامع الاخبار، ص ۱۸۰.
۲۳. سوره شوری، آیه ۱۵۱.